

بررسی وضعیت ابعاد هویت ملی و دینی دانشجویان (مورد مطالعه:
دانشگاه کاشان)

Investigating the Dimensions of Students' Religious and National
Identity (the Case of University of Kashan)

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۳/۲۹

Mohammad Amini
Hamid Rahimi
Hamid Nematollahi

محمد امینی*
حمید رحیمی**
حمید نعمت‌الهی***

Abstract: The aim of this descriptive survey research was to examine the status of dimensions of students' religious and national identity at University of Kashan. The statistical population was composed of all students of University of Kashan in the academic year 2015-2016 (N=7132). Having used Cochran Formula and stratified random sampling method, 364 students were chosen as research sample. Then, the researcher-made questionnaires were used to gather the required information based on the five-point Likert scale. The content and construct validity of questionnaires were confirmed. Next, the questionnaires' reliability was estimated through Cronbach Alpha coefficient as 0.73 and 0.78 for national identity and religious identity, respectively. Data were analyzed as descriptive and inferential through statistical software. Findings showed that the means of national identity and religious identity were higher than the average level. Besides, it was found that there was a significant and positive relationship between students' religious identity and national identity. Also, there was no significant difference between students' religious identity and national identity in terms of gender and academic degree. However, the latter difference was significant in terms of academic field.

Key words: Curriculum, national and religious identity, students, university.

چکیده: هدف تحقیق حاضر، بررسی وضعیت ابعاد هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان و نوع تحقیق، توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل همه دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تعداد ۷۱۳۲ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران و با نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۳۶۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته در طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شد. روایی محتوایی و سازه پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ برای هویت ملی ۰/۷۳ و هویت دینی ۰/۷۸ برآورد شد. داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای آماری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین هر یک از مؤلفه‌های هویت ملی و دینی بالاتر از حد متوسط است. بین هویت ملی و دینی دانشجویان، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین هویت ملی و دینی دانشجویان برحسب جنسیت و مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اما این تفاوت برحسب رشته تحصیلی، معنی‌دار است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، هویت ملی و دینی، دانشجویان، دانشگاه

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول: amini2740@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

*** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کاشان

مقدمه

اهمیت و جایگاه هویت، یکی از مفاهیم عمیق فرهنگ، از آن روست که نقش مهمی در شناسایی و تعیین مسیر حرکت جامعه و افراد آن، به ویژه نسل جوان ایفا می‌کند (درویشی و احمدی، ۱۳۹۱). به همین سبب در دهه‌های اخیر از اساسی‌ترین مؤلفه‌های علوم اجتماعی و انسانی بوده و مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است (نیازی، ۱۳۹۰). به علاوه، توجه به مقوله هویت در وضعیت فعلی جامعه جهانی و فرایند شتابان تغییرات حاصل از انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی به ویژه در جوامع جهان سوم، بیش از پیش احساس می‌شود. تغییر و تحولاتی که از دیدگاه هابرماس^۱ (۱۹۸۹)، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان انتقادی، در حوزه فرهنگ، نوعی همسانی به وجود آورده و باعث شده فرهنگ طلایی شده آمریکایی نه تنها خود را بر سرزمین‌های دور تحمیل کند، بلکه حتی در غرب، معنی‌دارترین تفاوت‌ها را کمرنگ و بنیان ریشه‌دارترین سنت‌های محلی را سست کند. در واقع، وضعیت کنونی ارتباطات جهانی، توسعه و رشد فناوری‌های مختلف، رویارویی مداوم فرهنگی و ... باعث شده است که مسئله هویت در ابعاد مختلف از جمله هویت دینی و ملی به موضوع اصلی در بررسی‌های اجتماعی تبدیل شده (سفیری و غفوری، ۱۳۸۸) و هم‌زمان، دشواری هویت‌یابی برای نوجوانان و جوانان ممالک غیر اروپایی به‌عنوان مسئله‌ای حاد برای این کشورها مطرح شود (کارنوی^۲، ۱۹۹۹). این مسئله در رابطه با دانشجویان اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا دانشجویان در هر جامعه‌ای می‌توانند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر آینده جامعه بگذارند. از سوی دیگر، دانشجویان به دلیل توانایی بیشتر در دستیابی به فناوری‌ها، بیشتر در معرض تهدیدهای اینترنتی و فناورانه هستند. این تهدیدات، بیشتر باعث تضعیف باورهای فرهنگی، بی‌اعتمادی به منابع فرهنگی و بومی و تخلیه ارزش‌های دینی و معیارهای اخلاقی خواهد بود (کشاوری، ۱۳۸۸). بنابراین نقش دانشگاه‌ها در این زمینه، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا دانشگاه به‌عنوان نهاد پیچیده فرهنگی به انتظام‌بخشی اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک کرده و موجبات بهبود کیفیت زندگی و حفظ پویایی و نشاط جامعه را فراهم می‌کند. در عین حال، بر کسی پوشیده نیست که توجه به هویت ملی و دینی در آموزش و پرورش می‌تواند نتایج ارزشمندی

1. Habermas

2. Carnoy

در زندگی فردی داشته و به اثرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی منجر شود که مواردی مانند تکامل فردی، خودباوری، اعتماد به نفس، همدلی، همبستگی ملی و گروهی، تعهد و مسئولیت‌پذیری، ترجیحات ملی، افتخار به فرهنگ خودی و مقابله با نفوذ فرهنگ بیگانه از آن جمله است. بنابراین ضرورت دارد که نظام‌های آموزشی به‌ویژه آموزش عالی به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعه پایدار از طریق برنامه‌های درسی و آموزشی مدون علمی به این مهم همت گمارند (جمشیدی کوهساری و میرشاه جعفری، ۱۳۸۸).

بر این اساس، بررسی و تحلیل وضعیت هویتی دانشجویان با محوریت هویت ملی و دینی در زمان سرشار از تحولات مختلف کنونی، می‌تواند تصویری روشن از وضعیت موجود این دو بعد مهم هویت را در دانشجویان به‌عنوان اصلی‌ترین مشتریان نظام آموزش عالی مشخص کرده و در عین حال، زمینه‌های ذهنی و عملی لازم را برای برنامه‌ریزی و اقدامات لازم در جهت بهبود و ارتقای وضعیت آنها فراهم کند. با عنایت به مطالب مذکور، هدف از اجرای این پژوهش، بررسی وضعیت ابعاد هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان است.

بیان مسئله

واین و وات^۱ (۱۹۹۷) هویت را متأثر از پدیده‌ها و واقعیات اجتماعی، به‌ویژه گروه‌های مرجع دانسته و معتقدند که هویت در متن و بطن مجموعه‌ای از تجارب مرتبط با زندگی شکل می‌گیرد و کاملاً متأثر از پدیده‌هایی همچون خانواده، محل زندگی، رسانه‌های گروهی، مراکز آموزشی و گروه همسالان است. برزونسکی^۲ (۲۰۰۳) به فرایند و چگونگی رشد هویت و نحوه دستیابی افراد به یک سبک هویتی توجه کرد. وی با تعریف سبک هویتی به‌عنوان دوستی‌هایی که بر اساس آن افراد به ساخت و یا اصلاح هویت خود اقدام می‌کنند، سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم یا اجتنابی را از یکدیگر متمایز کرد (کروستی و همکاران^۳، ۲۰۰۹). برونر^۴ با بهره‌گیری از اصطلاح روان‌شناسی فرهنگی، نقش و اهمیت پدیده‌های فرهنگی،

1. Dovin & Wright

2. Berzonsky

3. Crocetti et al

4. Bruner

اجتماعی و تاریخی را در فرایند شکل‌گیری هویت افراد ذکر کرده و تأکید می‌کند که تشخیص هویت هر فرد همانند گشودن قفل‌ها و دستیابی به چهارچوب فرهنگی او است. لذا برای شناسایی هویت فرد باید به چهارچوب فرهنگی که منشأ رفتار اوست پی برد (مشایخ، ۱۳۸۶). هویت، فرایند معناسازی بر اساس یک یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی به هم پیوسته است. هویت سازنده معناست و معنا حول یک هویت اساسی سامان می‌یابد (حاجیانی، ۱۳۸۸، ۸۶). فارغ از تعاریف و مفاهیم مختلف هویت، این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که هویت می‌تواند ابعاد، انواع و یا ساحت‌های مختلف و در عین حال مرتبط با یکدیگر داشته باشد که از جمله مهم‌ترین آنها هویت ملی و هویت دینی است (امینی و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۱۶).

هویت ملی را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی دانست که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود. هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است و مفهومی متحول، تکامل یافته و پویا دارد (صنیع اجلال، ۱۳۸۴، ۱۰۴). اسمیت و جارکو^۱ (۲۰۰۱) هویت ملی را نیروی پیونددهنده‌ای که دولت - ملت‌ها را با هم نگه می‌دارد و روابط آنها را با خانواده ملت‌ها شکل می‌دهد، تعریف می‌کنند. همچنین، آنها مؤلفه‌هایی را در تعریف هویت ملی در نظر می‌گیرند که عبارت‌اند از: درک مشترک هر ملت درباره افراد و ارزش‌های آن ملت، زبان‌های مشترک، نمادها و اعمالی که آنها را بازنمود یا نشان می‌دهد. پاردی و ویلس^۲ (۲۰۰۷) در تعریف هویت ملی می‌گویند که هویت ملی، بخش ویژه‌ای از هویت برای شناسایی فرهنگی - سیاسی در قلمرو یک سرزمین است. هویت ملی هم دارای بعد فردی یا ذهنی و هم دارای بعد جمعی است. در واقع پاردی و ویلس، بر بعد سرزمین تأکید زیادی داشته و از آنجا که مرز سرزمینی، قلمرو سیاسی نیز محسوب می‌شود، لذا آن را دارای اهمیتی دوچندان می‌دانند.

ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۲) با اشاره به این نکته که هویت ملی، مهم‌ترین و فراگیرترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی، همه حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، معتقد است که منابع

1. Smith & Jarkko

2. Purdie & Wills

اصلی هویت ملی در جوامع سنتی، طبیعت، گفتمان مسلط و نهادهای اجتماعی، دینی و سیاسی (مخصوصاً نهاد دولت - ملت) بوده‌اند. اما با شروع فرایند جهانی شدن و گسترش فناوری ارتباطات و ظهور منابع هویت‌بخش جدیدی مانند ماهواره و اینترنت، هویت‌های فراملی و جهانی نیز موضوعیت یافته‌اند.

افروغ (۱۳۸۲) هویت ملی را به‌تبع سطوح چهارگانه هویت، متشکل از چهار سطح می‌داند: سطح جهان‌بینی و ایدئولوژی، سطح ارزش‌ها، سطح هنجارها و سطح نمادها. وی سطح جهان‌بینی و ایدئولوژیک را مهم‌ترین بعد هویت ملی می‌داند؛ چراکه تنها این سطح است که می‌تواند با توسل به احساس و عاطفه، انسجام اجتماعی ایجاد کند و میان اعضا پیوندی برقرار کرده و اعضای جامعه را به جامعه متعهد کند.

کامرون^۱ (۲۰۰۴) معتقد است هویت ملی دارای ابعاد شناختی و عاطفی است. جنبه شناختی هویت ملی معطوف به آگاهی و دانش درباره میهن و تعلقات ملی از قبیل علائم، نمادها، زبان، تاریخ، جغرافیا و ... است و وجه عاطفی، شامل هیجانات و احساسات متنوع به میهن و اعضای گروه ملی را است. فورست^۲ (۲۰۰۱) نیز معتقد است که هویت ملی، نظام روان‌شناختی پیچیده‌ای است که مؤلفه‌های شناختی و عاطفی گوناگونی را در بردارد؛ چنان‌که در بعد شناختی، هویت ملی بر آگاهی فرد از عضویت خود در گروه ملی (خود مقوله‌بندی)، باورهایی درباره ویژگی‌های نوعی اعضای گروه ملی و برون گروه‌های برجسته و دانش در مورد میهن مانند علائم، نمادها، آداب و رسوم و سنت‌های ملی تأکید می‌ورزند؛ آنان در بعد عاطفی هویت ملی بر احساس تعلق فرد به گروه ملی، وابستگی هیجانی به میهن ملی، احساسات متمایز به اعضای گروه ملی در مقابل اعضای برون گروه‌ها و هیجانات اجتماعی متنوع نظیر غرور ملی اشاره می‌کنند.

هویت دینی و مذهبی، رکن دیگری از هویت جمعی ایرانی را تشکیل می‌دهد؛ چراکه بنا به دلایل متعدد تاریخی، مذهب، تدین، معنویت، خداگرایی و وحدانیت جزء ذاتی هویت ایران و ایرانیان به‌شمار می‌روند. به سخن دیگر، نهاد دین در فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. منظور از ترکیب هویت دینی این است که هویتی وجود دارد و این هویت از منشأ دین کسب تعریف می‌کند و در واقع به تبع دین، خود را

1. Cameron

2. Forrest

تعریف و مشخص می‌سازد. این نوع هویت در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و مجریان برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و درسی شده است که در مفهوم‌پردازی‌های ارائه شده از سوی صاحب‌نظران مختلف نیز مشهود است. هویت دینی به رابطه انسان با دین و آموزه‌های دینی توجه کرده و بیانگر احساس تعلق و تعهد به دین بوده و مهم‌ترین دستاورد و پیامد آن پاسخگویی به مجموعه‌ای از پرسش‌های بنیادی، جهت‌دهی به زندگی، یکپارچگی اعتقادی و معنابخشی به هستی است (شرفی، ۱۳۸۱). طالبان (۱۳۸۰) نیز هویت دینی را شامل ابعاد اعتقادی، اعمال دینی، تجربی، پیامدی و دانش دینی می‌داند. بعد اعتقادی، ناظر به باورهایی است که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند (مانند در روز قیامت به اعمال ما دقیقاً رسیدگی می‌شود). بعد تجربی یا عواطف دینی که ناظر بر عواطف، احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری روحانی همچون خداست (مانند گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام). بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر به تأثیر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان آن دین است (مانند با پدیده بی‌حجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد). بعد مناسکی یا اعمال دینی که شامل اعمال دینی مشخص همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص و روزه گرفتن است (مانند هرچند وقت برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روم).

سفیری و غفوری (۱۳۸۸)، هویت دینی را دارای سه بعد احساسی، باور و اعتقاد و عمل می‌دانند. بعد احساس بر ایجاد و رشد عواطف و احساسات مثبت دینی تأکید دارد. میزان قبول و باورمندی افراد به آموزه‌های مذهبی در بعد باور و اعتقاد و میزان التزام عملی به انجام فرایض و مناسک دینی نیز در بعد عملی هویت دینی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. از دیدگاه شارع‌پور (۱۳۸۳)، هویت دینی بیانگر نوعی از هویت جمعی انسان است که دربردارنده باورها، ارزش‌ها و اعتقادات دینی وی است؛ به گونه‌ای که فرد به اصول و عقاید دینی که جزئی از شخصیت او می‌شود، دست یافته و زمینه عمل را برای او فراهم می‌کند. همچنین می‌توان گفت که هویت دینی، نشان‌دهنده اتکای فرد به یک نظام یا پایگاه اعتقادی است که بر جهت‌گیری فرد در زمینه‌های مختلف و فلسفه زندگی وی تأثیر دارد (ایزدی و قاسمی، ۱۳۹۰). با توجه به آنچه در باره هویت دینی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که هویت دینی نقشی مهم در زندگی جوانان خصوصاً دانشجویان ایفا می‌کند.

در زمینه این پژوهش به یافته‌های سایر پژوهشگران داخلی و خارجی اشاره

می‌شود. غفوری کله (۱۳۸۴) در پژوهشی دریافت که والدین، پایبندی زیادی به مؤلفه‌های دینی و ملی دارند. جوانان نیز از هویت ملی و دینی قوی‌تر برخوردارند، همچنین گرایش به هویت ملی در میان پسران قوی‌تر از دختران است. حسن‌زاده (۱۳۸۷)، در پژوهش خود دریافت که از لحاظ پایبندی به هویت ملی، جوانان پسر موفق‌تر از جوانان دختر بوده و بیشتر به هویت ملی افتخار می‌کنند و در هویت دینی، دختران وضعیت بهتری در مقایسه با پسران داشته‌اند. ربانی و گنجی (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیدند که از میان متغیرهای اثرگذار بر هویت ملی به ترتیب؛ جنس، میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، سن و وضعیت تأهل در تعیین گرایش هویت ملی از سهم بیشتری برخوردار بوده‌اند. لقمان‌نیا و خامسان (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در اهداف تصریح شده برای نظام آموزشی ایران، هویت ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و با توجه به تأثیرگذار بودن این مقوله در سایر زمینه‌هایی که به توسعه و تحکیم کشور مربوط است، نیاز به تجدید نظر و بازاندیشی دارد. حاجیانی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود دریافت که بین میزان استفاده از اینترنت و بعد شناختی هویت ملی کاربران، همبستگی مثبت وجود دارد. بین مدت استفاده از اینترنت با بعد رفتاری و شناختی هویت ملی کاربران، همبستگی مثبت وجود دارد.

سیری واردنا^۱ (۲۰۰۲) هویت ملی را در نظام آموزشی سریلانکا بررسی کرد و نتایج بررسی وی نشان داد که کتاب‌های درسی این کشور به‌ویژه تاریخ، بر اساس تمایزات قومی و در برخی موارد (برتری قومی) تهیه شده‌اند (منظور اقوامی مانند سین‌ها لاو تامیل نادو است). بنا به اعتقاد این پژوهشگر، چنین تعلیم و تربیتی که برتری قومی و نژادی را پرورش داده و آن را تشویق کند موجب تخریب (وحدت ملی) و به تبع آن احساس ضعف هویت ملی می‌شود. وی نتیجه گرفت که برای دستیابی به هویت ملی، باید در کتاب‌های درسی تجدید نظر شود. کیم^۲ (۲۰۰۴) برنامه درسی کره را نقد و بررسی کرده و اشاره می‌کند که به هویت ملی در درس مطالعات اجتماعی کره از نیمه دوم قرن بیستم توجه شده است. به‌علاوه از آن زمان تاکنون، برنامه درسی کره، هفت بار تجدید نظر شده که در هر مرتبه با توجه به تغییرات اجتماعی کره و همچنین جهان، مفهوم‌پردازی هویت ملی در برنامه درسی اصلاح شده

^۱.Siriwardena

^۲.Kim

است. از سوی دیگر آندریوس و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی تأثیر مثبت تدریس تاریخ را بر ایجاد و شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان، بررسی کردند. آنها به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی توصیه می‌کنند که باید در مدرسه‌ها و محیط‌های آموزشی، شرایط و زمینه‌های لازم را برای رشد و تکامل هویت دانش‌آموزان تدارک ببینند. توماس و کولومبوس^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود بر وجود ارتباط تنگاتنگ میان سه عنصر فرهنگ، هویت و یادگیری تأکید کرده و معتقدند که فرهنگ و هویت فرد است که تفکر، عمل و تعاملات اجتماعی و نهایتاً عملکرد و پیشرفت تحصیلی هر فرد را تعیین می‌کند. گرجزل و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در بررسی دوام هویت ملی و غرور ملی در گستره اروپا دریافتند که هویت ملی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر غرور ملی افراد دارد.

با توجه به مبانی نظری و تجربی ارائه شده، می‌توان گفت که هویت ملی و دینی جنبه‌هایی از هویت جمعی هستند که فرد آن را در قالب مجموعه‌ای از شناخت‌ها، آگاهی‌ها، احساسات، وفاداری و عمل خود به سرزمین، اماکن مذهبی، اعیاد، آثار ملی، مراسم و میراث ابراز می‌کند. از این منظر، تلاش منسجم و سازمان‌یافته نهادهای آموزشی از جمله دانشگاه‌ها در مسیر اصلاح و ارتقای هویت ملی و دینی دانشجویان می‌تواند نقش مؤثری در رشد شخصیتی موزون و یکپارچه آنان داشته و زمینه کسب و درونی ساختن شناخت‌ها، نگرش‌ها و قابلیت‌های مرتبط با عناصر این دو هویت را در آنها فراهم سازد تا آنها بتوانند در آینده‌ای نزدیک به‌عنوان شهروندانی بزرگسال به وظایف و مسئولیت‌های خطیر خود را در عرصه‌های مختلف جامعه ایفا کنند. دقیقاً به همین دلیل است که از برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور انتظار می‌رود که با توجه به مختصات و ویژگی‌های خاص مخاطبان خود در قرن بیست و یکم، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی را به دانشجویان ارائه دهند که کسب و احراز شخصیت و هویت واحد و یکپارچه توسط آنان را تسهیل و تسریع می‌کند (موسی‌پور، ۱۳۹۵). بر این اساس، بررسی این سؤال مهم که دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تا چه حدی از ویژگی‌ها و مختصات مرتبط با هویت ملی و دینی برخوردار هستند، می‌تواند برخی از مهم‌ترین کمبودها و محدودیت‌های

¹. Andrews et al

². Thomas & Columbus

³. Grajzl et al

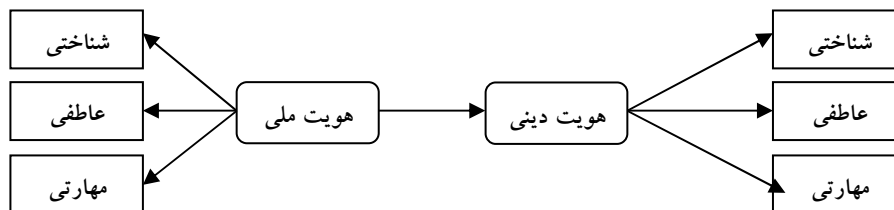
موجود این حوزه‌ها را روشن کند تا بر اساس آن اقدامات اصلاحی لازم انجام بگیرد. در واقع، تحقیق در ارتباط با هویت ملی و دینی دانشجویان می‌تواند در دو سطح طراحی و اجرا، مورد استفاده و استناد قرار بگیرد. در سطح طراحی، یافته‌ها و نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی قرار بگیرد تا بر پایه آن، سیاست‌ها و اهدافی دقیق و روشن در زمینه ایجاد، رشد و اصلاح وضعیت هویتی دانشجویان تدوین و تنظیم کنند. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند توسط مدیران اجرایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استفاده شود تا آنان با آموزش دانشجویان و نیز اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری و فوق برنامه مختلف و متنوع برای بهبود وضعیت هویت دینی و ملی دانشجویان اقدام کنند. به‌ویژه در این قسمت حوزه‌های معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه‌ها می‌توانند از نتایج پژوهش‌هایی از این دست برای کسب داده‌های لازم از وضعیت موجود و طراحی و برنامه‌ریزی‌های آتی خود بهره ببرند.

در پژوهش حاضر، ابعاد هویت ملی و دینی از الگوی تاجفل (۱۹۷۸) اقتباس شده است. تاجفل (۱۹۷۸) هویت را در سه بعد در نظر می‌گیرد:

الف- بعد شناختی (آگاهی): باید میزانی از آگاهی و یا درک از مشترکات وجود داشته باشد مانند خاطرات مشترک، میراث فرهنگی مشترک و غیره.

ب- بعد عاطفی (احساسی): علاقه و جذب به «درون گروه» است که با نوعی احساس تعهد همراه است، نوعی احساس وظیفه به دیگران و وفاداری به ارزش‌ها و اهداف و انتظارات و... ظرفیت‌های آن و منشأ این تعهد، علاقه، وابستگی و دل‌بستگی عاطفی است.

ج- بعد رفتاری (آمادگی برای عمل): منظور از این بعد، آمادگی برای عمل در زمینه رقابتی (اگر نه خصمانه) بین گروهی است (حقیقیان و همکاران، ۱۳۹۰).



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

حوزه‌های شناختی، عاطفی و مهارتی بیانگر اهداف مهم هر نظام آموزشی و معرف عرصه‌ها و ساحت‌های اصلی تشکیل‌دهنده شخصیت افراد از جمله دانشجویان هستند. در واقع، باید گفت سه حوزه یاد شده معروف‌ترین طبقه‌بندی اهداف آموزشی است که توسط گروهی از متخصصان به سرپرستی بنجامین بلوم تهیه و تدوین شد و بر اساس آن، حوزه شناختی شامل دانش و معلومات و توانایی‌های ذهنی؛ حوزه عاطفی دربردارنده علایق و انگیزش و احساسات و حوزه مهارتی نیز شامل توانمندی‌ها و قابلیت‌های عملی است (سیف، ۱۳۹۴). از این منظر، می‌توان گفت هر نهاد آموزشی هنگامی از کارآمدی و اثربخشی لازم برخوردار است که بتواند عرصه‌های شناختی و عاطفی و مهارتی فراگیران و مخاطبان اصلی خود را تحت تأثیر قرار داده و تغییراتی پایدار در آن ایجاد کند. از این منظر، فرض بر این است که دانشگاه‌ها باید بتوانند در دانشجویان، شناخت و آگاهی لازم را در زمینه ابعاد مختلف هویت ملی و دینی ایجاد کنند (حوزه شناختی)؛ عواطف و احساسات مثبت و سازنده آنها را نسبت به هویت‌های مذکور برانگیزانند (حوزه عاطفی) و در عین حال آنها را دارای مهارت‌ها و قابلیت‌های مرتبط با حفظ و پاسداری از هویت ملی و دینی و مشارکت در فعالیت‌های وابسته به آن کنند (حوزه مهارتی). با توجه به این توضیحات، در بعد شناختی هویت ملی، پرسش‌ها شامل شناخت آداب و رسوم ملی و میهنی، میزان آگاهی از وقایع و رویدادهای مهم تاریخی مرتبط با تاریخ ایران، شناخت شخصیت‌ها و قهرمانان ملی ایرانی و عناصر سازنده هویت ملی و ایرانی و شناخت آثار تاریخی و میراث فرهنگی ایران قدیم بود. در بعد عاطفی هویت ملی، پرسش‌هایی مانند احساس دانشجویان از آداب و رسوم ملی، میزان علاقه به ایران و ملیت ایرانی، میزان تمایل به مطالعه در زمینه‌های مربوط به تاریخ ایران، میزان تمایل به مشارکت در مراسم ملی و میهنی و احساس ایرانی بودن پرسیده شد. در بعد مهارتی یا رفتاری، میزان مشارکت

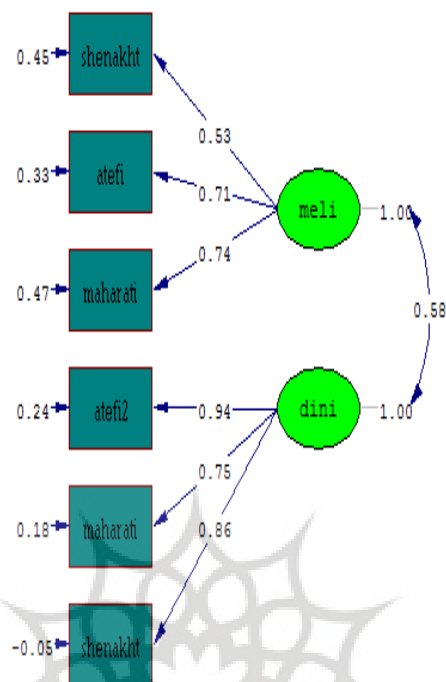
آنها در برگزاری مراسم و مناسک ملی و ایرانی، میزان تلاش برای آشنایی با ابعاد مختلف تاریخ ایران، میزان مطالعه کتاب‌ها و منابع مرتبط با تاریخ ایران، میزان پایبندی به دفاع از خاک کشور و کمک به هم‌میهنان و همچنین مشارکت عملی در گروه‌ها و انجمن‌های تاریخی مرتبط با ایران سنجیده شد.

در بعد شناختی هویت دینی، پرسش‌ها شامل میزان شناخت آنها از مراسم و مناسک دینی و مذهبی، میزان آشنایی با شخصیت‌ها و بزرگان دین اسلام، آگاهی درباره جنگ‌های صدر اسلام و تاریخ صدر اسلام و آشنایی با اصول دین و ارکان بنیادی آن بود. در بعد عاطفی، میزان علاقه‌مندی آنان به برگزاری مناسک و مراسم دینی و مذهبی، تمایل به مطالعه کتاب‌های مذهبی و اسلامی و همچنین اعتقاد به فرایض دینی و نهی از منکرات سنجیده شد. در بعد مهارتی، پرسش‌هایی شامل میزان مشارکت آنها در انجام عملی مناسک و مراسم دینی، رعایت معیارهای دینی در روابط اجتماعی روزمره خود و همچنین انجام فرایض دینی از جمله امر به معروف و دوری از منکرات بود.

روش تحقیق

با توجه به اینکه در این پژوهش، پژوهشگر درصدد تحلیل وضعیت هویت ملی و دینی در برنامه درسی دانشگاهی است، بنابراین نوع پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر اجرا، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، شامل همه دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تعداد ۷۱۳۲ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۶۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق‌ساخته با ۳۰ گویه بسته‌پاسخ در طیف پنج‌درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) استفاده شد. این پرسشنامه در دو حیطة ملی و دینی با خرده مقیاس‌های شناختی، عاطفی و مهارتی طراحی شد.

با توجه به اینکه طیف پرسشنامه به صورت پنج‌درجه‌ای است میانگین فرضی جامعه (۳) در نظر گرفته شد، به نحوی که میانگین به دست آمده بالاتر از ۳ معرف وضعیت مطلوب در آن متغیر و میانگین به دست آمده پایین‌تر از ۳ معرف وضعیت نامطلوب در آن متغیر است. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر ۱۰ نفر از متخصصان، تأیید و روایی سازه پرسشنامه نیز با تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد.



Chi-Square=22.39, df=8, P-value=0.00425, RMSEA=0.070

شکل (۲) تحلیل عاملی تأییدی ابعاد هویت ملی و دینی

نتایج، نشانگر برازش مناسب الگو است. شاخص خطای تقریب (RMSEA) هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد برازندگی الگو بیشتر است و در اینجا (۰/۰۷) = RMSEA که به صفر نزدیک است برازندگی الگو را تأیید می‌کند. طبق مدل، در متغیر هویت ملی، مؤلفه هویت مهارتی با ۰/۷۴ و در متغیر هویت دینی، مؤلفه هویت عاطفی با ۰/۹۴ دارای بیشترین بار عاملی و وزن بودند.

پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ برای هویت ملی ۰/۷۳ و هویت دینی ۰/۷۸ برآورد شد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود و تأیید شد. تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون تی تک

نمونه‌ای، تی مستقل و تحلیل واریانس) با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مانند SPSS، آموس و لیزرل انجام گرفت.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها، ۶۱ درصد دانشجویان، دختر و ۳۹ درصد، پسر بودند. ۳۵/۷ درصد در رشته‌های انسانی، ۲۲/۳ درصد در علوم پایه، ۳۱/۳ درصد فنی و مهندسی و ۱۰/۷ درصد، هنر و معماری بودند. ۹۰ درصد در مقطع کارشناسی، ۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲ درصد دکتری بودند.

۱. وضعیت هویت ملی (شناختی، عاطفی و مهارتی) دانشجویان دانشگاه کاشان، مطلوب است.

جدول (۱) مقایسه وضعیت ابعاد هویت ملی دانشجویان با میانگین فرضی ۳

متغیر	تعداد	میانگین	t	sig
شناختی ملی	۳۶۴	۳/۵۷±۰/۸۵	۵/۶	۰/۰۰۰
عاطفی ملی	۳۶۴	۳/۶۸±۰/۹۱	۴/۴۷	۰/۰۰۰
مهارتی ملی	۳۶۴	۳/۴۹±۱/۰۰۸	۴/۰۴	۰/۰۰۰
هویت ملی	۳۶۴	۳/۶۸±۰/۷۵	۴/۳	۰/۰۰۰

جدول (۱) نشان داد میانگین مؤلفه‌های هویت ملی دانشجویان به میزان (۳/۶۸) بالاتر از حد متوسط (۳) است. بالاترین میانگین مربوط به هویت عاطفی ملی به میزان ۳/۶۸ است. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد میانگین وضعیت مؤلفه‌های هویت ملی دانشجویان در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است و فرض ادعای پژوهشگر مبنی بر مطلوب بودن وضعیت هویت ملی دانشجویان دانشگاه کاشان تأیید شد.

۲. وضعیت هویت دینی (شناختی، عاطفی و مهارتی) دانشجویان در برنامه درسی دانشگاهی مطلوب است.

جدول (۲) مقایسه وضعیت ابعاد هویت دینی دانشجویان با میانگین فرضی ۳

متغیر	تعداد	میانگین	t	sig
شناختی دینی	۳۶۴	۳/۱۷±۰/۸۶	۳/۷	۰/۰۰۰
عاطفی دینی	۳۶۴	۳/۵۱±۱/۰۶	۹/۱۷	۰/۰۰۰
مهارتی دینی	۳۶۴	۳/۱۴±۰/۸۶	۳/۱۸	۰/۰۰۰
هویت دینی	۳۶۴	۳/۲۸±۰/۸۳	۶/۲۸	۰/۰۰۰

جدول (۲) نشان داد میانگین مؤلفه‌های هویت دینی دانشجویان به میزان (۳/۲۸) بالاتر از حد متوسط (۳) است. بالاترین میانگین مربوط به هویت عاطفی دینی به میزان ۳/۵۱ است. آزمون تی نشان داد میانگین وضعیت مؤلفه‌های هویت دینی دانشجویان در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است و فرض ادعای پژوهشگر مبنی بر مطلوب بودن وضعیت هویت دینی دانشجویان دانشگاه کاشان تأیید شد.

۳. بین هویت ملی و دینی دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

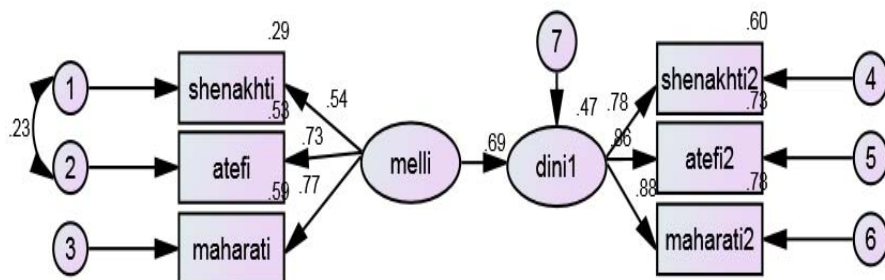
جدول (۳) ضریب همبستگی بین هویت ملی و دینی

متغیر	تعداد	همبستگی	معنی‌داری
هویت ملی و دینی	۳۶۴	۰/۵۵	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی نشان داد بین هویت ملی و دینی دانشجویان ۰/۵۵ رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و فرض ادعای پژوهشگر مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین هویت ملی و دینی دانشجویان تأیید شد.

جدول (۴) مدل معادلات ساختاری

RMSEA	IFI	CFI	NFI	df	Chi-Square
۰/۰۵۷	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۸	۱۷/۳۱



نمودار (۲) مدل معادلات ساختاری و نهایی پژوهش

با توجه به جدول (۴) نتایج، نشانگر برازش مناسب الگو است. شاخص خطای تقریب (RMSEA) هر چه به صفر نزدیکتر باشد برازندگی الگو بیشتر است و در اینجا (RMSEA = ۰/۰۵۷) به صفر نزدیک است که برازندگی الگو را تأیید می‌کند. شاخص نیکویی برازش (GFI) که مقدار آن باید ۰/۹۰ و بالاتر باشد در اینجا (GFI = ۰/۹۹) است که برازش الگو را تأیید می‌کند. شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت (NFI = ۰/۹۸)، شاخص برازش تطبیقی (CFI = ۰/۹۹) و شاخص افزایشی (IFI = ۰/۹۹) نیز در صورتی که از ۰/۹۰ بیشتر باشند نشانگر برازش مناسب الگو است. بر اساس مدل، رابطه بین هویت ملی و دینی تأیید شد.

۴. بین هویت ملی و دینی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول (۵) مقایسه میزان هویت ملی و دینی برحسب جنسیت

تی-تست		لوین		توصیفی			
Sig	t	Sig	F	میانگین	تعداد	متغیر	
۰/۲۷	۱/۱۰	۰/۹۴۱	۰/۰۰۶	۳/۵۲	۲۲۲	دختر	هویت ملی
				۳/۴۳	۱۴۲	پسر	
۰/۱۶	۱/۳۸	۰/۷	۰/۰۱۹	۳/۳۲	۲۲۲	دختر	هویت دینی
				۳/۱۹	۱۴۲	پسر	

جدول (۵) نشان می‌دهد میانگین هویت ملی دانشجویان دختر به میزان ۳/۵۲ از دانشجویان پسر به میزان ۳/۴۳ و میانگین هویت دینی دانشجویان دختر به میزان ۳/۳۲ از هویت دینی دانشجویان پسر به میزان ۳/۱۹ کمی بیشتر است. همچنین آزمون لوین، فرض همسانی واریانس‌ها را تأیید کرد. آزمون تی مستقل نشان داد این تفاوت از نظر آماری، مثبت و غیر معنی‌دار است و فرض ادعای پژوهشگر مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین هویت ملی و دینی دانشجویان دختر و پسر تأیید نشد.

۵. بین هویت ملی و دینی دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد.

جدول (۶) مقایسه میزان هویت ملی و دینی برحسب مقطع تحصیلی

آزمون F		لوین		توصیفی			
sig	F	sig	F	میانگین	تعداد	متغیر	
۰/۱۷	۱/۷۷	۰/۹۲	۰/۰۸	۳/۵۲	۳۳۰	کارشناسی	هویت ملی
				۳/۴۷	۳۰	ارشد	
				۳/۵۹	۴	دکتری	
۰/۴۸	۰/۷۴	۰/۶۴	۰/۴۴	۳/۴۷	۳۳۰	کارشناسی	هویت دینی
				۳/۳۹	۳۰	ارشد	
				۳/۴	۴	دکتری	

جدول (۶) نشان داد میانگین هویت ملی در دانشجویان مقطع تحصیلی دکتری با میانگین ۳/۵۹ بالاتر از میانگین هویت ملی در دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد است. همچنین میانگین هویت دینی در دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی به میزان ۳/۴۷ بالاتر از هویت دینی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری است. همچنین آزمون لوین، فرض همسانی واریانس‌ها را تأیید کرد. آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد این تفاوت‌ها از نظر آماری، غیر معنی‌دار است و فرض ادعای پژوهشگر مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین هویت ملی و دینی دانشجویان برحسب مقطع تحصیلی، تأیید نشد.

۶. بین هویت ملی و دینی دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد.

جدول (۷) مقایسه میزان هویت ملی و دینی برحسب رشته تحصیلی

آزمون F		لوین		توصیفی			
sig	F	sig	F	میانگین	تعداد	متغیر	
۰/۰۲۵	۳/۱۶	۰/۴۳	۰/۹۱۴	۳/۴۸	۱۱۴	فنی	هویت ملی
				۳/۳۶	۸۱	پایه	
				۳/۶۸	۱۳۰	انسانی	
				۳/۲۵	۳۹	هنر	
۰/۰۰۳	۴/۷۴	۰/۰۸	۲/۲۸	۳/۲۳	۱۱۴	فنی	هویت دینی
				۳/۲۵	۸۱	پایه	
				۳/۴۳	۱۳۰	انسانی	
				۳/۱۷	۳۹	هنر	

جدول (۷) نشان داد میانگین هویت ملی و دینی در دانشجویان رشته‌های انسانی به ترتیب با میانگین ۳/۶۸ و ۳/۴۳ بالاتر از سایر رشته‌هاست. همچنین آزمون لوین، فرض همسانی واریانس‌ها را تأیید کرد. آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد این تفاوت از نظر آماری مثبت و معنی‌دار است و فرض ادعای پژوهشگر مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار بین هویت ملی و دینی دانشجویان برحسب رشته تحصیلی، تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحکیم هویت از مقوله‌های مهم و اساسی در همه کشورها و از کارکردهای نظام آموزشی به‌شمار می‌آید. چنانچه تحقیقات انجام شده در این رابطه در سایر کشورها مؤید این است که آموزش و پرورش به‌طور اعم و آموزش عالی به‌طور اخص در این حوزه، مسئولیت دارند. در این زمینه، آموزش عالی از طریق برنامه‌های آموزشی مختلف و فضای فرهنگی دانشگاه‌ها هم می‌تواند در ارتقای هویت ملی و دینی و هم در صورت کم‌توجهی در تضعیف آن نقش اساسی ایفا کند (رضایی و همکاران،

(۱۳۹۰). در واقع، برخورداری از برنامه و رویکردی منسجم برای رشد و پرورش هویت ملی و دینی دانشجویان باید به مثابه یکی از ضروریات و اولویت‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مطرح باشد. این نهادهای علمی و آموزشی باید با تدوین برنامه‌های هدفمند و اجرای تجارب و فعالیت‌های جذاب مختلف، زمینه رشد و ارتقای هویت ملی و دینی دانشجویان خود را فراهم کنند. این پژوهش با درک اهمیت کارکرد دانشگاه‌ها در زمینه هویت، تلاش کرده است تا تصویری از وضعیت موجود هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان در حیطه‌های شناختی، عاطفی و مهارتی فراهم کند.

یافته‌های حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان داد که میانگین مؤلفه‌های هویت ملی دانشجویان بالاتر از حد متوسط و به نوعی در وضعیت نسبتاً مطلوب است. به این معنا که دانشجویان در بعد شناختی، دارای شناخت نسبی از آداب و رسوم ملی و میهنی هستند، از وقایع و رویدادهای مهم تاریخی مرتبط با تاریخ ایران تا حدودی اطلاع و آگاهی دارند، از شخصیت‌ها و قهرمانان ملی ایرانی و عناصر سازنده هویت ملی و ایرانی، آگاهی و شناخت نسبی دارند و همچنین آثار تاریخی و میراث فرهنگی ایران قدیم را به‌طور نسبی می‌شناسند. در بعد عاطفی، بیشتر دانشجویان آداب و رسوم ملی و آگاهی از آن را مهم تلقی می‌کنند، به کشور ایران و ملیت ایرانی علاقه دارند، به مطالعه در زمینه‌های مربوط به تاریخ ایران تا حدود زیادی گرایش و تمایل دارند. در عین حال، آنها علاقه و تمایل نسبتاً زیادی به مشارکت در مراسم ملی و میهنی دارند و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. در بعد مهارتی، دانشجویان در برگزاری مراسم و مناسک ملی و ایرانی مشارکت نسبتاً مناسبی دارند، تلاش نسبتاً زیادی برای آشنایی با ابعاد مختلف تاریخ ایران دارند، کتاب‌ها و منابع مرتبط با تاریخ ایران را تا حدودی مطالعه می‌کنند، به دفاع از خاک کشور و کمک به هم‌وطنانشان تا حد زیادی پایبند هستند و همچنین در گروه‌ها و انجمن‌های تاریخی مرتبط با ایران، مشارکت عملی دارند. نتایج پژوهش با نتایج تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۳) که هویت ملی دانشجویان و نوجوانان را بالا ارزیابی کردند، همسویی و مطابقت دارد اما با نتایج پژوهش لقمان‌نیا و خامسان (۱۳۸۹) که نشان دادند که در اهداف تصریح شده برای نظام آموزشی ایران، هویت ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست، همسویی ندارد. یافته‌های فرضیه دوم نشان داد میانگین مؤلفه‌های هویت دینی دانشجویان بالاتر از حد متوسط و به نوعی در وضعیت نسبتاً مطلوب است؛ به این معنی که در بعد

شناختی، بیشتر دانشجویان از مراسم و مناسک دینی و مذهبی، آگاهی و شناخت نسبی دارند، شخصیت‌ها و بزرگان دین اسلام را تا حدودی می‌شناسند، از جنگ‌های صدر اسلام، آگاهی نسبی دارند، اصول دین و ارکان بنیادی آن را تا حدودی می‌شناسند و همچنین از تاریخ صدر اسلام، شناخت نسبتاً مناسبی دارند. در بعد عاطفی، بیشتر دانشجویان به برگزاری مناسک و مراسم دینی و مذهبی علاقه‌مندند، به مطالعه کتاب‌های مذهبی و اسلامی علاقه نسبی دارند، آداب و رسوم دینی را مهم تلقی می‌کنند، به هویت دین خودشان توجه و علاقه دارند و همچنین به فرایض دینی و نهی از منکرات تا حدود زیادی باور و اعتقاد دارند. در بعد مهارتی، بیشتر دانشجویان در انجام عملی مناسک و مراسم دینی مشارکت نسبی دارند، در روابط اجتماعی روزمره خود معیارهای دینی را تا حد زیادی رعایت می‌کنند، کتاب‌های مربوط به تاریخ اسلام را تا حدودی مطالعه می‌کنند و به هویت دینی خودشان توجه و علاقه زیادی دارند. همچنین فرایض دینی از جمله امر به معروف و دوری از منکرات را انجام داده و از انجام اعمال دینی احساس ناراحتی نمی‌کنند. این نتایج با نتایج پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۳) و آخوندی (۱۳۸۳) که هویت دینی دانشجویان را بالا ارزیابی کردند، همسویی و مطابقت دارد.

در فرضیه سوم، ضریب همبستگی نشان داد بین هویت ملی و دینی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی هرچه ابعاد هویت ملی در دانشجویان قوی‌تر باشد به همان اندازه هویت دینی در دانشجویان قوی‌تر می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که هویت مذهبی و هویت ملی دانشجویان در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه کاملاً در یک جهت حرکت می‌کنند و دارای مرزهای مشترکی هستند. برای مثال در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، این دو در کنار هم قرار گرفتند و تعلق به میهن و حاکمیت ملی در دفاع از جغرافیای سرزمین، در کنار کسب تقوا برای رزمندگان بوده است. رشد نگرش‌های مثبت دینی و ملی از انتظارات مهم جامعه است. نگرش‌های دینی و ملی با یکدیگر در تعامل و همبسته‌اند. هویت‌یابی مذهبی؛ زمینه‌ای برای هویت‌یابی مثبت و موفق در جوانان است که به یکپارچگی و وحدت بین اجزای مختلف شخصیت می‌انجامد. هویت‌یابی ملی به ایجاد انسجام، یکپارچگی و تعامل و تفاهم اجتماعی در جامعه می‌انجامد و فرد را از انزوا، از خودبیگانگی و تعارض اجتماعی دور نگاه می‌دارد. بر این اساس، لازم است سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی با ارائه الگوها و آموزه‌های عمیق دینی و ملی بر رشد شاخص‌های دینی و ملی همت

گمارند. این نتایج با نتایج پژوهش سفیری و غفوری (۱۳۸۸)، آقازاده (۱۳۷۷) و احمدلو (۱۳۸۱) که در تحقیقات خود دریافتند هویت ملی و قومی در ارتباط مثبت با هم هستند، همسویی و مطابقت دارد.

یافته‌های فرضیه چهارم بیانگر این است که میانگین هویت ملی و دینی دانشجویان دختر از دانشجویان پسر، کمی بیشتر است اما این تفاوت از نظر آماری، معنی‌دار نیست. به عبارتی هویت ملی و دینی دانشجویان دختر و پسر یکسان است. این یافته‌ها نشان می‌دهد جنسیت در افزایش یا کاهش هویت ملی و دینی دانشجویان، تأثیر زیادی ندارد. نتایج پژوهش با نتایج تحقیق ربانی و گنجی (۱۳۸۸) و قنبری و جعفرزاده (۱۳۹۰) که دریافتند جنسیت، اثرگذارترین متغیر بر هویت ملی است، همسویی و مطابقت ندارد. اما با نتایج تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۳)، موحد و کاووسی (۱۳۹۰) و بحرانی و همکاران (۱۳۹۰) که نشان دادند بین هویت ملی و دینی دانشجویان برحسب جنسیت، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد، همسویی و مطابقت دارد.

یافته‌های فرضیه پنجم نشان داد میانگین هویت ملی در دانشجویان مقطع تحصیلی دکتری و هویت دینی در دانشجویان کارشناسی بیشتر از مقاطع دیگر است اما این تفاوت از نظر آماری، معنی‌دار نیست. به عبارتی هویت ملی و دینی دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی، یکسان است. این یافته‌ها نشان می‌دهد مقطع تحصیلی در افزایش یا کاهش هویت ملی و دینی دانشجویان تأثیرگذار زیادی ندارد. این نتایج با نتایج تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۳) که نشان دادند بین هویت دینی و ملی دانشجویان برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، همسو و با نتایج تحقیق عباسی قادی (۱۳۸۲) که در پژوهش خود نشان داد بین میزان تحصیلات با هویت دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ناهم‌سوست.

یافته‌های فرضیه ششم نشان داد میانگین هویت ملی و دینی در دانشجویان رشته‌های انسانی، بالاتر از سایر رشته‌هاست و این تفاوت از نظر آماری مثبت و معنی‌دار است و فرض ادعای پژوهشگر تأیید شد. این نشان می‌دهد که رشته تحصیلی در بروز نگرش‌های دینی و ملی تا حدودی تأثیر معنی‌داری دارد. شاید علت این مسئله به میزان سختی محتوای درس‌ها و میزان زمانی که باید برای مطالعه صرف شود، مربوط است. به عبارت دیگر، دانشجویان رشته‌های مهندسی و علوم پایه، وقت کمتری برای مسافرت، دیدن فیلم و... برای افزایش آگاهی از هویت ملی و دینی خویش دارند و ضمناً مطالب درسی‌شان با مسائل اجتماعی-تاریخی ارتباط کمتری

دارد. این نتایج با نتایج تحقیق علیزاده اقدام و همکاران (۱۳۸۶) که نشان دادند میزان هویت ملی در رشته‌های علوم انسانی، بالاتر و در علوم پایه و مهندسی، پایین‌تر است، همسویی و مطابقت دارد.

بر اساس نتایج تحقیقات پیشین و پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود:

-در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با هویت دینی و ملی در قالب‌هایی جذاب و برانگیزاننده، طراحی و اجرا و زمینه مشارکت خودجوش دانشجویان در آن فراهم شود.

-با ترتیب دادن جلسه‌ها و سمینارهای مختلف و دعوت از صاحب‌نظران آگاه و مورد قبول دانشجویان، امکان آشنایی بیشتر با شخصیت‌ها، وقایع، پدیده‌ها، مناسک و مراسم مرتبط با هویت ملی و دینی ایجاد شود.

-تشکیل میزگردها و تریبون‌های آزاد به منظور بحث و گفتگو پیرامون هویت ملی و دینی و برخی مقوله‌های چالش‌زای آن می‌تواند در رفع برخی ابهامات دانشجویان در این زمینه، نقش قابل توجهی داشته باشد.

-استفاده دانشگاه‌ها از ظرفیت قابل توجه فعالیت‌های هنری مانند اجرای تئاتر، شب شعر، موسیقی، نمایش مذهبی (تعزیه) هنرهای تجسمی و... زمینه شناخت هرچه بیشتر دانشجویان را از نمادهای هویت ملی و دینی فراهم می‌کند.

-برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری مختلف در دانشگاه‌ها با محوریت هویت ملی و دینی در جلب توجه دانشجویان به این حوزه‌ها بسیار مؤثر است.

-پاسداشت مناسبت‌های خاص و برپایی مراسم تجلیل و تکریم شخصیت‌ها، مراسم، وقایع و رخدادهایی که نوعاً مرتبط با هویت ملی و دینی هستند.

-فراهم ساختن فضایی آزاد در دانشگاه‌ها تا دانشجویان بتوانند مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های ذهنی خود را در امور مرتبط با مسائل ملی و دینی و مذهبی مطرح کنند. -از ظرفیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای آشنایی و شناساندن اسطوره‌ها و نمادهای تاریخی و ملی و نیز دینی و مذهبی به دانشجویان استفاده شود.

-پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، تأثیر بافت فرهنگی، محیطی، خانوادگی، استادان و دوستانی که فرد با آنها در ارتباط است، در هویت ملی و دینی دانشجویان، بررسی شود. راه‌های تثبیت ارزش‌های دینی و ملی در نوجوانان و جوانان به‌ویژه دانشجویان بررسی شود. نقش رسانه‌ها و فضای مجازی بر همبستگی ملی در دانشگاه‌ها مطالعه شود. آسیب‌ها و فرصت‌های فرایند همبستگی ملی در نظام آموزش

عالی شناسایی شود. الگوی بومی سازی دانش و جایگاه آن در هویت ملی و دینی بررسی شود.

از جمله محدودیت‌هایی که در ارتباط با این تحقیق وجود داشت، محدود بودن دامنه تحقیق به دانشجویان، محدود بودن دامنه تحقیق به دانشگاه کاشان و نبود امکان تعمیم به مراکز و سازمان‌های آموزشی دیگر بود. از جمله محدودیت‌های دیگر تحقیق استفاده صرف از پرسشنامه‌های خود گزارش‌دهی برای ارزیابی متغیرها، بررسی و جمع‌آوری مقطعی داده‌ها و همکاری نکردن برخی از دانشجویان در پاسخگویی به پرسشنامه بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آخوندی، محمدباقر (۱۳۸۳). *هویت ملی-مذهبی جوانان*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- آقازاده، حسین (۱۳۷۷). *بررسی هویت جمعی در دو زمینه هویت جمعی ملی-محلی و هویت جمعی دانشجویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ابوالقاسمی، محمود؛ نوروزی، عباسعلی و طالب‌زاده، محسن (۱۳۹۲). تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده از منظر هویت ملی و دینی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۴ (۳)، ۳-۲۴.
- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱). *بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- افروغ، عماد (۱۳۸۲). *هویت ایرانی*. تهران: بقعه.
- امینی، محمد؛ رحیمی، حمید و مزروعی، حسن (۱۳۹۳). تحلیل و ارزیابی هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان. *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴ (۱۲)، ۳.
- ایزدی، مهشید و قاسمی، کبری (۱۳۹۰). تأثیر استفاده از شبکه اطلاعات جهانی بر هویت دینی و ملی دانش‌آموزان. *اطلاع‌رسانی و کتابداری، کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۳۸۰، ۱۱۴-۱۲۱.
- بحرانی، شعله؛ سروش، مریم و حسینی، مریم (۱۳۹۰). مقایسه جنسیتی رابطه رسانه‌ها، هویت و سبک زندگی در بین جوانان شهر شیراز. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۲ (۳)، ۱۰۳-۱۲۰.
- جمشیدی کوهساری، محبوبه و میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۸). جهانی شدن و هویت ملی در برنامه درسی. *مجموعه مقالات همایش هشتم انجمن مطالعات برنامه درسی*. بابل‌سر: دانشگاه مازندران، ۵۳۰-۵۱۶.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ مؤسسه انتشارات کمیل.
- حاجیانی، ابراهیم و محمدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فضای مجازی (اینترنت) بر هویت ملی دانشجویان. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۶ (۱)، ۳۳-۵۰.

- حسن‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۸۷). وضعیت هویت ملی و دینی جوانان در شهرستان سنندج، خلاصه مقالات همایش ملی جوانان و هویت ایرانی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- حقیقتیان، منصور؛ غضنفری، احمد و تکه اکبرآبادی، پروانه (۱۳۹۰). هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲ (۱)، ۷۱-۸۲.
- درویشی، لیلا و احمدی، پروین (۱۳۹۱). تحلیل محتوای برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه بر اساس نمادهای ملی و مذهبی. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲ (۸)، ۳۲-۱۵.
- ربانی، علی و گنجی، محمد (۱۳۸۸). تحلیلی بر رابطه دین‌داری و سرمایه اجتماعی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه علوم اجتماعی، ۴۱، ۴۳-۶۰.
- رضایی، احمد؛ منصور، سیروس و عابدینی، میمنت (۱۳۹۰). جایگاه برنامه‌های درسی دانشگاهی در تقویت هویت ملی دانشجویان. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۲ (۱)، ۵۳-۷۱.
- سفیری، خدیجه و غفوری، معصومه (۱۳۸۸). بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده. فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۲، ۱-۲۷.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۴). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات دوران.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). جوان و بحران هویت. تهران: انتشارات سروش.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴). درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰). تعهد مذهبی و تعلق سیاسی. نامه پژوهش، ۵ (۲۰ و ۲۱).
- عباسی قادی، مجتبی (۱۳۸۲). بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران. تهران: دفتر مطالعات توسعه و رسانه‌ها، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۸۶). تطبیق هویت ملی و دینی دانش آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن: مطالعه موردی دانش آموزان تبریز. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲، ۲۳، ۸۴-۶۷.
- غفوری کله، معصومه (۱۳۸۴). *هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی اقتصادی.
- قنبری، علی و جعفرزاده پور، فروزنده (۱۳۹۰). قدرت هویت ملی در میان ایرانیان. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۲ (۴)، ۷۰-۵۱.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۸). جهانی شدن و هویت ملی در برنامه درسی. *مجموعه مقالات همایش هشتم انجمن مطالعات برنامه درسی*. بابلسر: دانشگاه مازندران، صص ۵۷۶-۴۵۴.
- لقمان نیا، مهدی و خامسان، احمد (۱۳۸۹). جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲ (۳)، ۷۰-۵۷.
- مشایخ، فریده (۱۳۸۶). *نگاهی به ماهیت دانش از دیدگاه معرفت شناسی، فلسفی (مقدمه مترجم)*، در لوی، الف، *برنامه ریزی درسی مدارس*؛ ترجمه فریده مشایخ. تهران: انتشارات مدرسه.
- موحد، مجید و کاووسی، فرزانه (۱۳۹۰). عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با هویت ملی نوجوانان شهر اهواز. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۲ (۲)، ۱۱۳-۱۳۲.
- موسی پور، نعمت الله (۱۳۹۵). *مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه*. تهران: به نشر.
- نیازی، محسن (۱۳۹۰). نقش ماهواره و برنامه های ماهواره ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۷ (۲۲)، ۱۸۲-۲۱۱.
- هاپر ماس، یورگن (۱۹۸۹). *دگرگونی ساختاری در حوزه عمومی*؛ ترجمه جمال محمدی (۱۳۸۴). تهران: افکار.

Andrews, R.; Mc Glynn, C. & Mycock, A. (2009). *Student's attitudes towards history: does self – identity matter?*

Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well– being: does commitment matter? *An International Journal of Theory and Research*. 3 (1), 131- 142.

- Cameron, J. E. (2004). A three-factor model of social identity, *self and identity*, 3, 239-262.
- Carnoy, M. (1999). Globalization and educational reform: What planners need to know Paris: *International Institute for Education Planning* (UNESCO).
- Crocetti, E.; Rubini, M.; Berzonsky, M. & D.Meeus, W. (2009). Brief report: The Identity style inventory –validation in Italian adolescents and college students. *Journal of Adolescence*, 32, 425-433.
- Forrest, L. (2001). English adolescents sense of national identity, identity motivations and national historical icons, from. *Http://www.psy.surrey.ac.uk/staff/mbarrett.htm*
- Grajzl, D.; Eastwood, J. & Grajzl, P. (2016). The longevity of national identity and national pride: Evidence from wider Europe, *Research and Politics*, 15 (3), 1-9.
DOI:10.1177/2053168016653424
- Kim, H. J. (2004). National identity in Korean curriculum, *Canadian Social Studies*, 38, 3, 74-89.
- Purdie, M. & Wills, L. (2007). Australian national identity, young peoples, conception of what it means to be Australian, *National Identities*. 9 (1), 67-82.
- Siriwardena, R. (2002). National identity, content of education and ethnic perception, retrieved 2009/5/2, *www.snnam.org/analysis national-identity.htm*
- Smith, T. & Jarkko, L. (2001). *National pride in cross-national perspective*. Chicago, University of Chicago.
- Tajfel, H. (1978). *Differentiation between social groups*, London: Academic Press, Vander Zanden.
- Thomas, M. K. & Columbus, M. A. (2010). African American identity and for primary cultural, instructional design. *Journal of Educational Technology System*, 38 (1), 75 -92.
- Wyn, J. & White, R. (1997). *Rethinking youth*, London: Sage.